روزنامه شرق

چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۴
۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
۱۲ نوامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌و دوم
شماره ۵۲۵۳
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

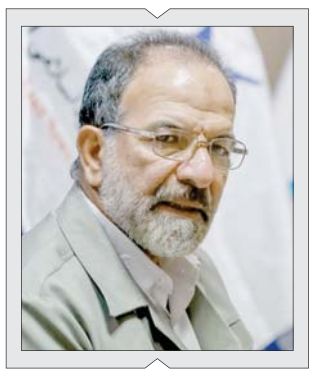

جعفر قنادباشی در گفت‌وگو با «شرق» از دیدار جولانی با ترامپ می‌گوید

گره‌های کور در مناسبات دمشق و واشنگتن

۵

در «شرق» امروز می‌خوانید: سفیر ایران در بغداد: به رأی مردم عراق احترام می‌گذاریم • «شرق» تناقض‌گویی مسئولان درباره مذاکرات را واکاوی می‌کند؛ جدال کلام و واقعیت

سرمقاله

سخنرانان اتاق‌های خالی

کامبیز نوروزی
حقوق‌دان

وجود سه شرط برای شکل‌گیری و تحقق نظم حقوقی ضروری است و بدون آنها نظم حقوقی شکل نمی‌گیرد و آرام‌آرام فرومی‌پاشد.

این سه شرط عبارت‌اند از رعایت اصول و قواعد حقوقی به‌ویژه آنچه در قانون اساسی مندرج است؛ مطابقت قوانین و مقررات با واقعیت‌های جامعه؛ پذیرش عمومی از قوانین و مقررات. هریک از این شرایط که وجود نداشته باشد، نظم و نظام جامعه دچار اختلال شده و همه چیز از جای خود خارج می‌شود.

پیش‌نیاز عمومی همه این شرایط نیز یک چیز است. گفت‌وگوی عمومی بین جامعه مدنی و ارکان نظام سیاسی. هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند مدعی باشد که همه چیز را می‌داند. به‌ویژه در ایران که نظام گزینش، حتی در بالاترین سطوح مقامات کشوری به گسترده‌ترین شکل عمل می‌کند و مانع از برآمدن شایستگان است، و با توهم دانایی که پدیده‌ای فراگیر است، نظام سیاسی قادر به درک واقعیت‌های جامعه نیست. گاهی نیز برای حفظ قدرت از شناختن واقعیت‌ها دوری می‌کند. به جای آن تصورات یا رؤیاهای خود را با واقعیت اشتباه گرفته و براساس آنها عمل می‌کند. رؤیا آرمان می‌سازد ولی روی زمین با رؤیا نمی‌شود زندگی کرد.

آنچه در ایران سال‌هاست از بین رفته، گفت‌وگوی جامعه مدنی و ارکان نظام سیاسی است. گفت‌وگو درنمی‌گیرد. در سطح جامعه مدنی افراد پرشماری هستند که با نگرانی و حتی قبول خطر اوضاع کشور را تحلیل می‌کنند، راه‌حل پیشنهاد می‌دهند و دل می‌سوزانند اما در نظام سیاسی کسی شنونده نیست. نظام سیاسی و دستگاه‌های حکومتی هم مشکلات خود را دارند. حرف‌های خود را می‌زنند. اما این سخنان نیز به دلیل بی‌اعتمادی گسترده و کتمان‌های متعدد از ناکارآمدی‌ها و فسادها، در جامعه مدنی شنیده نمی‌شود. به‌ویژه میل پنهان‌کاری و انحصار قدرت مانع از انتشار اطلاعات شده و بر فاصله نظام سیاسی با جامعه مدنی می‌افزاید. این عوامل موجب می‌شوند جامعه مدنی هم تمایلی به شنیدن صدای نظام سیاسی نداشته باشد. نمونه‌ها بسیارندغ مثلا آنچه درمورد علل فیلترینگ می‌گویند یا درمورد فساد بانک‌ها ازجمله بانک آینده اعلام می‌کنند یا اخبار چای دبش، کسی را قانع نمی‌کند. فاصله‌هایی که میان جامعه مدنی و نظام سیاسی افتاده است، چنان زیاد شده که اصلا صدای‌شان به هم نمی‌رسد. گفت‌وگو می‌تواند واقعیت‌های جامعه را به نمایش بگذارد. همچنین گفت‌وگو می‌تواند راه تفاهم را باز کند. گفت‌وگو عزم مشترک می‌آفریند، برای شناخت مسائل کشور و جست‌وجوی راه‌حل‌ها.

اما بیش از جامعه مدنی این نظام سیاسی است که از گفت‌وگو می‌گریزد. تمایلی ندارد که جامعه مدنی را در اندیشه حکمرانی خود داخل کند. از نظر آنها فهم همان است که خود دارند و راه‌ها همان‌اند که خود می‌اندیشند. نیازی به جامعه مدنی نیست. مجلس قوانینی تصویب می‌کند که مورد قبول مردم نیستند. دولت به جای رعایت اصل آزادی گردش اطلاعات بر کتمان اطلاعات همچنان اصرار دارد. در قانون‌گذاری و اجرا نه واقعیت‌های اجتماعی ملاحظه می‌شوند و نه حقوق ملت. سال‌هاست برای مقابله با کمبود آب مردم را نصیحت می‌کنند که صرفه‌جویی کنید ولی برای ترمیم شبکه آب تهران که گفته می‌شود موجب هدررفت ۳۰ درصد آب شرب تهران است، هیچ اقدامی نمی‌شود. کارشناسان مستقل می‌گویند اما مدیریت روزمره قادر به برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت نیست. در مقابل از برخی تریبون‌های رسمی این سخن بلند است که کم‌آبی به خاطر بی‌حجابی است.

ادامه در صفحه ۱۰

بررسی عملکرد یک‌ساله دولت؛ از نقدهای تند مجلس تا پاسخ‌های صریح رئیس‌جمهور

روز حساب‌کشی

شرق: در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، برای دومین روز، عملکرد یک‌ساله دولت در اجرای قانون برنامه هفتم توسعه مورد بررسی قرار گرفت؛ نشستی که با حضور رئیس‌جمهور و جمعی از وزرا، به صحنه‌ای برای نقد و ارزیابی جدی تبدیل شد. گزارش معاونت نظارت مجلس نشان داد که تحقق اهداف برنامه در نهادهای کلیدی از جمله سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد، کمتر از حد انتظار بوده و در مواردی به زیر ۵۰ درصد رسیده است. این آمارها نگرانی‌هایی را درباره کارآمدی فرماندهی اقتصادی کشور برانگیخت. در حوزه فرهنگ نیز انتقادات جدی مطرح شد؛ از سهم ناچیز فرهنگ در بودجه عمومی تا عدم ایفای نقش تنظیم‌گری توسط دستگاه‌های مسئول. در کنار مباحث درمان؛ موضوعات اقتصاد و کالابرگ و ... هم پایشان در مباحث روز باز شد تا صحن علنی محلی برای حساب‌کشی از وزرای اقتصادی کابینه هم تبدیل شود. از سویی رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان با رویکردی صریح و انتقادی، ضمن پذیرش مسئولیت دولت در ایجاد تورم، خواستار تدوین بودجه‌ای بدون کسری شد و بر لزوم توسعه متناسب با منابع موجود تأکید کرد. وی از تلاش‌های دولت در حوزه انرژی، آموزش، محیط‌زیست و معیشت مردم سخن گفت و خواستار هم‌افزایی میان قوا برای حل مشکلات شد. رئیس مجلس شورای اسلامی هم تأکید کرد: امروز تنها سند بالادستی ما و تنها میثاق ملی ما، برنامه هفتم است.

اما مهم‌ترین میهمان دیروز بهارستان رئیس‌جمهور بود. مسعود پزشکیان با حضور در صحن علنی مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی عملکرد یک‌ساله دولت در اجرای برنامه هفتم پیشرفت، با بیان اینکه ما موظف به اجرای برنامه‌ها هستیم، اظهار کرد: وضعیتی که در آن قرار داریم، پارسال پیش از تحویل دولت اعتصابات و تظاهرات پرستاران، بازنشستگان و معلمان بودند و گندمکاران هم مشکلاتی داشتند. پارسال همین زمان داشتیم برق مردم را قطع می‌کردیم و سوخت را به یک جایی نمی‌دادیم چون مشکل داشتیم، الان خیلی از این مشکلات را حل کرده‌ایم.

گزارش تیتر یک را در صفحه ۳ بخوانید

همایون ارشادی، بازیگر سینمای ایران در ۷۸ سالگی درگذشت

طعم گس گیلاس

این گزارش را در صفحه ۱۱ بخوانید. عکس: مهدی حسنی

با وجود رشد آموزش، تحصیلات و مهارت‌های زنان و تغییر برخی باورهای فرهنگی، زنان همچنان پشت درهای بازار کار مانده‌اند

اقتصاد مردسالار

صفحه ۴

برگزیده‌ها

پاسخ شهرداری تهران به گزارش «شرق»

عملکرد تحسین‌برانگیز در حوزه املاک و مستغلات

۹

گفت‌وگوی تفصیلی «شرق» با زهره هراتیان، رئیس ایفمارک فدراسیون فوتبال

پزشکی ورزشی ایران بازوی قوی فیفاست

۶

نیم‌نگاهی به ابعاد قانونی چالش حریم پایتخت

منازعه بر سر حریم تهران

۹

گزارش «شرق» از مرگ مشکوک ببر سافاری الیمالات

کالبدشکافی پرونده «ونداد»؛ سم یا پانکراتیت؟

۱۰

علیرضا دبیر از آقا رسول چه می‌خواهد؟

۱۲

نگاه

بانوی ایرلندی می‌تواند تغییر ایجاد کند؟

یادداشتی از محمود فاضلی

۱۲

یادداشت

به بهانه پرونده فرد مشهور، خبر و واکنش جامعه

سقوط اخلاق و انذار امنیت ملی

رضا صدیق
تحلیلگر فرهنگ

لحظه پیش از سخن‌گفتن، طلایی‌ترین لحظه شخصیتی است؛ لحظه‌ای که ذهن تمام آموخته‌های پیشینی اکتسابی و حصولی را سیر می‌کند و سپس، واژه می‌شود و به زبان رانده یا به قامت کلمه نوشته می‌شود. در موج‌هایی اجتماعی که حول یک مسئله پررنگ شده و به‌واسطه «خبر»ها شکل می‌گیرد، این لحظه طلایی، نقطه فهمی از منظر جامعه‌شناختی است، زیرا که سخنان، مانند آینه‌ای از گذشته و پیشینه آموخته‌ها و پرنسیب‌ها خود را نمایان می‌کند و در مجموع یکسان‌شده سخنان، می‌توان برآیندی از وضعیت ذهنی جامعه درباره یک واقعه، حادثه یا رخداد پیدا کرد، اما دراین‌میان نفس واژگان «خبر» که حامل رساندن پیامی از آن واقعه هستند نیز از این امر مستثنا نیست. به عبارتی، اگر آن واقعه را ایستا در لحظه و زمان در نظر بگیریم، حامل و واسطه آن، کلمات و سخنانی است که در قامت هویت «خبر» قرار می‌گیرند و گیرنده آن، یعنی جامعه و واکنشش در کالبد سخنان موضع‌گیرانه در نقطه سوژگی تعریف می‌شوند.

در مثال اخیر و «خبر» بازداشت یک چهره سرشناس به اتهامی شوک‌آور می‌تواند محل بحث و بررسی نقطه طلایی ذهن پیش از سخن‌راندن باشد.

خبر چگونه واژه و منتشر شد؟ صریح و بی‌پرده و با اسم و رسم مشخص چهره مذکور. چرا؟ به دلیل سبقت در گستردگی و پخش خبر و جذب مخاطب با اتکا بر اسم و شهرت فرد مدنظر. نقطه طلایی ذهن در لحظه پیش از سخن‌شدن چه بود؟ تهی از آموخته‌های امر اخلاقی و کاملا در خدمت بازار رسانه. علت این فقدان چیست؟ از بین رفتن مراجع خبری چارچوب‌مند و حرفه‌ای و به‌وجودآمدن خرده‌رسانه‌هایی که تنها به لایک، فالوئر و بازدیدگرفتن معطوف‌اند و حرفه‌ای‌گری رسانه در ساحت «خبر» را نمی‌دانند. برای فهم بهتر این مقایسه، شاید بتوان به دوره‌ای اشاره کرد که روزنامه‌ها مرجع بودند و صفحه حوادث داشتند یا خود روزنامه پرماجرای حوادث. این رسانه‌ها، در مواجهه با این دست اخبار، در ابتدا حتی اگر فرد مشهور هم نبود، اسمش را به دلیل حفظ حریم شخصی و آبرو، به اختصار بیان می‌کردند. خبر را بماهو خبر نمی‌دیدند و در لحظه تحریر خبر، به استنادات، تحقیق‌های واقعی و قانونی، سخنان هر دو سوی ماجرا یا حتی شنیده‌ها ارجاع می‌دادند. شکل و فرم ارائه در آن اخبار، به دنبال شفافیت خبر بود و نه‌فقط طرح جنجالی خبر، مگر در چند هفته‌نامه «زرد». نقطه طلایی ذهن در آن دوره، به امر اخلاقی متکی بود و خبر را کالایی برای فروش نمی‌دید. به‌همین‌دلیل نیز خبر در لحظه وقوع، حاملانی داشت که در رساندنش به دست مخاطب، مانند حمل بسته‌ای شکستنی محتاط عمل می‌کرد و لاجرم همین رویکرد نیز بر مخاطب اثری بالغانه داشت و سبب شکل‌دهی ذهنی می‌شد که بر فکت‌ها و ارجاعات حساس است. اما در گذر فقدان این جنس از «خبر»، وقتی محتوا به سمع مخاطبان رسید، نقطه طلایی ذهن جامعه را پیش از سخن‌گفتن، از دل سخنان منتشرشده چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ نکته اول در فهم جامعه‌شناختی واکنش‌ها، این گزاره است که گویی گزاره سخن‌نگفتن و واکنش‌نداشتن و صبوری در مواجهه با خبر، هیچ جایی در مهلکه به‌وجودآمده ندارد. به عبارت دیگر، گزاره «نمی‌دانم، پس سکوت می‌کنم» یا «چون بحث آبرو در میان است و هنوز رأیی صادر نشده، من در تکثیر این خبر و نظردادن درباره آن دخیل نمی‌شوم»، هیچ جایی در واکنش غالب جامعه (چه له و چه علیه سوژه) با شاهدمثال فضای مجازی نداشته است. همین نکته، بدون هیچ تعارفی، خبر از سقوط اخلاقی جامعه می‌دهد. در مثال مذکور، این امر نشان‌دهنده حرّافی خالی از اخلاق مشخص و معین انسانی است. هشداری است درباره شرطی‌شدن ذهن بخشی از جامعه که بدون پشتوانه و توجه به آموخته‌های بدیهی روابط اجتماعی متکی بر «اخلاق» در مواجهه با «هر چیزی» سریع واکنش نشان می‌دهد و از ظن خود یار می‌گیرد. انذار این وضعیت بدون ملاحظه‌های عرفی، لازم و واجب است. اما فهم علت این وضعیت با قبول این سقوط و بحران اخلاقی در بخشی از جامعه، نیاز به تحقیق‌های گسترده مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه دارد.

ولی نکته دوم، دودستگی پیش‌آمده در مواجهه با خبر است. یک سو به‌صرف شهرت و علاقه به آن فرد کل ماجرا را کذب می‌خوانند و یک سو دقیقا با اتکا به شهرت فرد مذکور، کل قصه را واقعیت. جالب است که هر دو دسته نیز گویی که در صحن دادگاه، دادستان و وکیل‌اند و بر سر گمان خود حکم صادر کرده و به هم می‌تازند. این شکل استادیومی واکنش، بیش از آنکه بر سر خود خبر باشد، مع‌الاسف شبیه سرگرمی و تفریح است. این وضعیت زمانی فهم بحران اخلاقی بخشی از جامعه را عجیب‌تر می‌کند که افرادی که برچسب کذایی فرهیخته دارند نیز (از اهالی سینما) خود بخشی از معرکه‌گیری شده‌اند. براساس معیار مطروحه در نکته اول، اگر حتی گزاره سکوت‌کردن نادیده گرفته شود، سخن‌راندن درباره یک پرونده قضائی که در حال بررسی است، نمی‌تواند به موضع‌گیری رسمی ختم شود و در بهترین حالت بر فرض سخن‌گفتن باید و قطعا با ملاحظات شکاکانه و غیرقطعی و متکی بر انذار اجتماعی رخ بدهد. در این مقیاس نیز، چه آنان که علیه و چه آنان که له فرد مذکور بدون هیچ اطلاعات و استنادات قانونی به بسط این فضای استادیومی سخن گفته‌اند، بخشی از نمایشی هستند که تأییدکننده بی‌اخلاقی بسط پیداکرده در جامعه است.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

واژگونی مفاهیم وارونگی روایت‌ها

محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط
اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

سرپرست ستاد امر به معروف و نهی از منکر به‌تازگی گفته: «زباله‌گردی نشانه توسعه‌یافتگی و رفاه است؛ کشورهای فقیر زباله ندارند» (تابناک، ۱۲ آبان ۱۴۰۴). این جمله، نه‌فقط نادرست، بلکه نمونه‌ای تمام‌عیار از وارونه‌سازی مفاهیم در گفتمان رسمی است که زباله‌گردی به نمادی از توسعه و رفاه تفسیر می‌شود.

در ادبیات توسعه، زباله‌گردی نشانه فقر، نابرابری و ناکارآمدی مدیریت شهری است؛ نه رفاه. در کشورهای پیشرفته، بازیافت به‌صورت ایمن، قانونی و سازمان‌یافته انجام می‌شود، نه به دست کودکان کار، مهاجران بی‌مدرک یا افراد فاقد حمایت اجتماعی. این پدیده، نقض آشکار کرامت انسانی است، نه نشانه‌ای از پیشرفت.

ادامه در صفحه ۵

استودیو شرق

نقطه آغاز تولیدات حرفه‌ای شما

اگر به دنبال فضایی حرفه‌ای و مجهز برای تولید محتوای ویدئویی هستید، استودیو شرق انتخابی ایده‌آل است.

تجهیزات پیشرفته
تصویربرداری
صدابرداری
نورپردازی
ضبط با کیفیت ۴K
تدوین حرفه‌ای

اجاره استودیو به صورت ساعتی
محیطی آرام، مدرن و مجهز

شماره تماس: ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴